

The Study of Conceptual Metaphor of FEAR in Three Literary Works in Farsi, English and Arabic Languages

Nasrin Mahmoudi Barmasi*
Maryam Irajii**, Jinuss Shirvan***

Abstract

This article is a descriptive-analytical research based on the theory of conceptual metaphor, which examines the conceptual metaphors of the field of fear in three literary works from different languages, *Sang Sabbour* (Persian), *Sound and Fury* (English) and *Miramar* (Arabic). The findings of the research show that all three authors jointly used the Specific metaphor [FEAR ARE OBJECTS] and this can be a confirmation of the universality of conceptual metaphors. But in relation to Generic-level metaphors in these stories, it was found that Sadegh Chubak and Najib Mahfouz in Persian and Arabic stories have benefited the most from the Generic-level metaphor [EMOTIONS ARE OBJECTS], while Faulkner has used the most in the English story, *Sound and Fury*, equally, the Generic-level metaphors [EMOTIONS ARE LOCATIONS] and [EMOTIONS ARE FORCES]. The difference between Generic-level metaphor of Persian and Arabic stories with Generic-level metaphor of English story points to the culture-specificity of Generic-level metaphors.

Keywords: Conceptual metaphor, Specific and Generic-level, Fear, Persian, English, Arabic.

* PhD Student of Linguistic Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, mahmoudi2021@yahoo.com

** Assistant Professor of Linguistic Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, (Corresponding Author) miraji180@gmail.com

*** Assistant Professor of French Language and Literature Department, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, jinuss.shirvan@gmail.com

Date received 2022/07/18, Date of acceptance: 2022/09/02



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی استعاره مفهومی حوزه ترس در سه اثر داستانی به زبان‌های فارسی، انگلیسی و عربی

نسرین محمودی برمی*

مریم ایرجی**، ژینوس شیروان***

چکیده

این مقاله، پژوهشی توصیفی - تحلیلی بر اساس نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی است که به بررسی استعاره‌های مفهومی حوزه ترس در سه اثر داستانی از زبان‌های متفاوت، سنگ صبور (زبان فارسی)، خشم و هیاهو (زبان انگلیسی) و میرامار (زبان عربی) می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر سه نویسنده به‌طور مشترک از استعاره خاص [ترس، شیء است] بهره برده‌اند و این امر می‌تواند مهر تأییدی بر جهانی بودن استعاره‌های مفهومی باشد. اما در رابطه با استعاره‌های سطح عام در این داستان‌ها مشخص شد که چوبک و محفوظ در داستان‌های فارسی و عربی، از استعاره عام [عواطف، شیء‌اند] بیشترین بهره را برده‌اند در حالی که فاکنر در داستان انگلیسی بیشترین استفاده را به‌طور یکسان از استعاره‌های سطح عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] برده است. تفاوت موجود میان استعاره‌های عام داستان‌های فارسی و عربی با استعاره‌های عام داستان انگلیسی اشاره‌ای به فرهنگ‌ویژه بودن استعاره‌های سطح عام دارد.

کلیدواژه‌ها: استعاره‌ی مفهومی، سطح خاص و عام، ترس، فارسی، انگلیسی، عربی

* دانشجوی دکتری، گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
mahmoudi2021@yahoo.com

** استادیار گروه زبان‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسئول)،
miraji180@gmail.com

*** استادیار گروه زبان و ادبیات فرانسه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
jinuss.shirvan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰



۱. مقدمه

در گذشته توجه کمی به مفاهیم مربوط به عواطف و احساسات می‌شد، به گونه‌ای که اوتلی (Oatley) و جنگینز (Jenkins) در این باره می‌گویند: به‌طور سنتی احساسات را به عنوان مفاهیمی اولیه و پایه در کنار دیگر فعالیت‌های ذهنی مثل زبان، اندیشه، تفکر و یادگیری در نظر نمی‌گرفتند. (۱۹۹۶: ۱۲۲) در مباحث معناشناسی، مفاهیم احساسات را عاری از محتوای مفهومی در نظر می‌گرفتند (لیکاف (Lakoff)، ۱۹۸۷). تحقیقات امروزی در زمینه علوم شناختی مطالعه و بررسی مفاهیم احساسات و عواطف را بسیار مورد توجه قرار می‌دهد. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مفاهیم احساسات نه تنها از طریق استعاره‌ها و دیگر ابزارهای بیانی مانند مجاز مفهوم‌سازی می‌شوند، بلکه حوزه‌ی مفهومی که برای نگاشت احساسات به کار می‌برند، چیزی جدای از بدن انسان نیست (کوچس (Kövecses)، ۲۰۰۳). از همین رو نتایج چنین پژوهش‌هایی، تاکید بسیار بر درک شناخت بدن‌مند دارند (معلج (Moallage)، ۲۰۰۴؛ کرافورد (Crawford)، ۲۰۰۹؛ آنسا (Ansa)، ۲۰۱۴). بدن‌مندی مفهومی یعنی «ویژگی‌های برخی مقوله‌ها، برگرفته از ماهیت ظرفیت‌های زیستی انسان و تجربه نقش‌آفرینی وی در محیط فیزیکی و اجتماعی او باشد» (لیکاف، ۱۹۸۷: ۱۲). بدن‌مندی در ذهن انسان به گونه‌ایست که ویژگی‌های بدن انسان و محیط پیرامونش را ترسیم می‌کند؛ این نگاشت در عبارات استعاری این حقیقت را آشکار می‌کند که نظام‌های مفهومی انسان شباهت‌هایی را در مفهوم‌سازی مفاهیم انتزاعی مختلف نشان می‌دهند (لیکاف و جانسون (Johnson)، ۱۹۹۹).

در رابطه با مفهوم‌سازی احساسات بحث‌هایی مطرح است، مبنی بر این‌که آیا این مفهوم‌سازی، به دلیل استوار بودن بر شناخت جهانی انسان، میان فرهنگ‌ها یکسان است؟ یا این مفهوم‌سازی در واقع فرهنگ‌ویژه است؟ زیرا احساسات، دارای ساختار فرهنگی - اجتماعی‌اند (کوچس ۱۹۹۵؛ ۲۰۰۵؛ گالیزه (Gallese) و لیکاف، ۲۰۰۵؛ لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰؛ معلج ۲۰۰۴؛ ۲۰۰۷). از سوی دیگر، مطالعات بین‌فرهنگی در مورد مفهوم‌سازی احساسات نشان می‌دهند که احساسات را می‌توان هم به صورت جهانی (بر اساس تجربیات بدن‌مند) و هم به صورت اجتماعی - فرهنگی (بر اساس طرح‌واره‌های فرهنگ‌ویژه) مفهوم‌سازی کرد (کوچس، پالمر (Palmer) و دیرون (Dirven)، ۲۰۰۲؛ الحرسی (Al-Harrasi)، ۲۰۰۳؛ معلج، ۲۰۰۷؛ آنسا، ۲۰۱۴؛ کوچس، ۱۹۹۰، ۲۰۱۵؛ شریفیان، ۲۰۱۷؛ هاشمیان، ۲۰۲۰). چون احساسات نه تنها به‌عنوان حالت‌های روان‌شناختی ناشی از رویدادهای فیزیولوژیکی، بلکه توسط رویدادهای اجتماعی نیز تجربه می‌شوند. از آنجایی که این یافته‌ها بر مطالعاتی مبتنی بودند که هم شباهت‌ها

و هم تفاوت‌های بین‌فرهنگی را در مفهوم‌سازی احساسات بررسی می‌کردند، بنابراین مطالعات بیشتر در زمینه‌ی شباهت‌ها و تفاوت‌های سایر زبان‌ها و فرهنگ‌ها، کمک مهمی به درک نحوه‌ی مفهوم‌سازی احساسات بین‌فرهنگی به شمار می‌رود. در همین راستا هدف مطالعه‌ی حاضر بررسی مفهوم‌سازی عاطفه و یا احساس ترس در سه اثر از ادبیات فارسی، انگلیسی و عربی به زبان اصلی است، که ممکن است شواهد بیشتری برای حمایت از این استدلال ارائه کند.

۱.۱ نظریه‌ی استعاره‌ی مفهومی

نظریه استعاره‌ی مفهومی یکی از اولین چارچوب‌های نظری بود که در رویکرد معناشناسی شناختی مطرح شد و بسیاری از اصول بنیادین آن را که به رابطه بین زبان، ذهن و تجربه بدن‌مند می‌پرداخت در بر می‌گرفت. استعاره‌ی مفهومی، از طریق دو حوزه و یک فرایند معرفی می‌شود. حوزه‌ی مبدأ (Source Domain)، حوزه‌ی مقصد (Target Domain) و فرایند نگاشت (Mapping). در واقع، استعاره روشی است که از طریق آن گذر از یک حوزه‌ی مفهومی به حوزه‌ی مفهومی دیگر صورت می‌گیرد و از طریق فرایند نگاشت، ویژگی‌های دو حوزه‌ی شناختی که در قالب استعاره به یکدیگر مربوط شده‌اند با یکدیگر تطبیق داده می‌شوند. تناظرهای نظام‌مندی که میان حوزه‌ی مبدأ و حوزه‌ی مقصد ارتباط برقرار می‌کنند، نگاشت نام دارند و فرمول‌هایی که براساس این تناظرها استخراج می‌شوند نام‌نگاشت خوانده می‌شوند. این نگاشت از آنجایی آغاز می‌شود که درک حوزه مبدأ آسان‌تر است و می‌تواند مرجعی برای استدلال در مورد حوزه مقصد باشد که درک آن دشوارتر است. لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) معتقدند که استعاره‌ها بر ادراک ذهنی انسان در مورد واقعیت‌ها تأثیر می‌گذارند و بنابراین محدود به زبان نیستند. به گفته‌ی پونتروتو (Ponterotto) (۲۰۱۴) ما می‌توانیم از استعاره‌ها در گفتار روزمره استفاده کنیم زیرا آن‌ها در ذهن ما وجود دارند. در نظریه استعاره‌ی مفهومی، مطالعات زبان‌شناختی در مفهوم‌سازی احساسات و عواطف، عمدتاً بر چگونگی ساختار مفاهیم متمرکز شده‌اند. این تمرکز چه در یک فرهنگ خاص و چه در میان فرهنگ‌های متفاوت از طریق تحلیل عبارات استعاری صورت می‌پذیرد که چنین مفاهیمی را منعکس می‌کنند، و نیز بر درک طرح‌واره‌های تصویری استوار است.

۲.۱ استعاره‌های سطح عام و سطح خاص

(Generic-level and Specific-level Metaphors)

به باور کوچش استعاره‌های مفهومی را می‌باید برحسب سطح عمومیتی که در آنها یافت می‌شود رده‌بندی کرد (۷۸:۱۳۹۶). استعاره‌های مفهومی می‌توانند استعاره‌های سطح خاص یا سطح عام باشند. استعاره‌های سطح خاص دارای جزئیات بیشتر و مفصل‌تری‌اند و در سطحی خاص و ویژه اتفاق می‌افتند، مانند استعاره‌های [زندگی سفر است] و [بحث جنگ است]؛ اما استعاره‌های سطح عام، با ساخت‌های اسکلتی و با ویژگی‌هایی اندک تعریف می‌شوند؛ به‌عنوان مثال در استعاره‌ی سطح عام [رویدادها کنش‌اند] (THE EVENTS ARE ACTIONS) به پدیده‌ی کلی اشاره می‌شود که می‌تواند رویدادهای خاص‌تری مانند مردن، سوختن، مریض شدن، تورم و یخ بستن را شامل شود. پس می‌توان دید که مفاهیمی مانند رویداد، کنش، عام و خاص، همه مفاهیم سطح عام هستند، مثل استعاره‌های سطح عام [رویدادها کنش‌اند]، [عام، خاص است] (GENERIC IS SPECIFIC) و [استعاره‌ی زنجیره‌ی بزرگ] (THE GREAT CHAIN METAPHOR) (کوچش، ۷۹:۱۳۹۶).

۳.۱ استعاره‌ی زنجیره‌ی بزرگ وجود

برای انسجام استعاره‌های سطح خاص متفاوت با یکدیگر، دو نظام مفهومی بزرگ پیشنهاد شده‌است: استعاره‌ی زنجیره‌ی بزرگ وجود و استعاره‌ی ساختار رویداد. نظام استعاری زنجیره‌ی بزرگ وجود، چگونگی مفهوم‌سازی استعاری اجسام را در جهان توضیح می‌دهد مانند [انسان حیوان است]؛ این استعاره که استعاره‌ی سطح عام است، در نظام مفهومی ما می‌تواند شامل استعاره‌های مفهومی دیگری مانند: [رفتار نامطلوب انسان، رفتار حیوانی است] و [انسان‌های ناباب حیوانند] باشد. این استعاره‌ها با هم سازگار بوده و می‌توانند در یک گروه قرار گیرند.

۴.۱ استعاره رویداد – ساختار

معناشناسی شناختی، با مطالعه‌ی نگاشت‌های میان‌حوزه‌ای و استنتاج‌های حاصل از این نگاشت‌ها، به رویدادها می‌پردازد. نظریه استعاره‌ی مفهومی به نظام عظیمی از استعاره‌های مفهومی به نام استعاره‌های [رویداد- ساختار] (The EVENT-STRUCTURE METAPHORS)

اشاره دارد که حوزه شناختی ما را می‌سازند. بر اساس استعاره‌های [رویداد- ساختار]، «حالت‌ها، تغییرات، فرآیندها، کنش‌ها، علل، اهداف و ابزارها از طریق استعاره و به صورت شناختی توسط مفاهیم فضا (مکان)، حرکت و نیرو مفهوم‌سازی می‌شوند» (لیکاف، ۱۹۹۳: ۲۲۰). نظام رویداد- ساختار از تجربه ما در مورد فضا، حرکت و نیرو استفاده می‌کند و به همین جهت استعاره‌ها «از تجربه بدنی روزمره ما پدید می‌آیند» (لیکاف و جانسون، ۱۹۹۹: ۱۷۱).

لیکاف و ترنر (Turner) بر این باورند که چهار مقوله مستقل معنایی درجهان، شامل مکان، شیء، ماده و ظرف، برای عینی کردن یا کمتر انتزاعی کردن مفاهیم انتزاعی استفاده می‌شوند (۱۹۸۹: ۱۱۳). هم‌چنین لیکاف و جانسون معتقدند که درک استعاره‌ی [رویداد- ساختار]، با توجه به دو استعاره‌ی اصلی آن که عبارتند از: استعاره‌ی [رویداد- ساختار مکان] (THE LOCATION EVENT-STRUCTURE METAPHOR) و استعاره‌ی [رویداد- ساختار شیء] (EVENT-STRUCTURE METAPHOR THE OBJECT) ممکن است (۱۹۹۹: ۱۷۹-۱۷۸). این دو استعاره، استعاره‌های اولیه‌ای مثل [علت‌ها نیرواند] (CAUSES ARE FORCES) و [تغییرات، حرکت‌اند] (CHANGES ARE MOVEMENTS) را می‌سازند. در این رابطه لیکاف (۱۹۹۳) و دانشجویانش نداشت‌های کلی در زمینه درک استعاره [رویداد- ساختار مکان] و شیء] یافته‌اند. دو مؤلفه استعاره [رویداد- ساختار] از این جهت با هم متفاوتند که یکی رویدادها را به‌عنوان مکان (LOCATIONS) و دیگری به‌عنوان شیء (OBJECTS) تعریف می‌کند.

در استعاره‌ی [رویداد- ساختار مکان] اصل پویایی بسیار مهم است. جایی که مکان (فضا) در نظر گرفته می‌شود با حرکت، مانند کندشدن، آمدن و حذف شدن تقویت می‌شود. به استثنای استعاره‌ی [حالت‌ها مکان‌اند] (STATES ARE LOCATIONS) که حرکت را شامل نمی‌شود، دیگر استعاره‌های زیرمجموعه‌ی آن «حرکت به/از یک مکان معین یا به مقصدی در مکان» را نشان می‌دهند.

حرکت مکانی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های استعاره‌ی [رویداد- ساختار شیء] نیز مطرح است. لیکاف و جانسون این استعاره را «دوگانه»ی (dual) استعاره‌ی [رویداد- ساختار مکان] می‌نامند، به این معنا که در استعاره [رویداد- ساختار مکان]، تغییر، حرکت موجودیتی (entity) است که نسبت به یک مکان جابجا می‌شود، به آن نزدیک می‌شود یا از آن دور می‌شود، و در استعاره‌ی [رویداد- ساختار شیء]، شیء در حال تغییر لزوماً حرکت نمی‌کند. تغییر، به جای حرکت کردن شیء به سمت یک مکان یا دور شدن از آن، به خود شیء در حال تغییر اشاره دارد. علاوه بر این شیء در حال حرکت به‌عنوان دارایی مفهوم‌سازی می‌شود و شیء

در حال تغییر، مالک فرض می‌گردد. تغییر اشاره به گرفتن یا از دست دادن چیزی دارد. تفاوت آن‌ها را در مثال‌های زیر ببینید:

الف) هری توی دردسر افتاده است (Harry is in trouble). (مشکل مکان است)

ب) هری مشکل دارد. (Harry has trouble) (مشکل دارایی است) (لیکاف، ۱۹۹۳: ۲۲۳-۲۲۴).

اساساً استعاره‌های [رویداد- ساختار] به صورت طرح‌واره‌های تصویری (image-schemas) در نظر گرفته می‌شوند (پنا کرول (Peña Cervel)، ۲۰۰۴). از جمله رویدادهایی که توسط طرح‌واره‌های تصویری اداره می‌شوند، می‌توان به حالات در استعاره‌ی [حالت‌ها مکان‌اند] (STATES ARE LOCATIONS) و اهداف در استعاره‌ی [اهداف مقصداند] (PURPOSES ARE DESTINATIONS) اشاره کرد. در تأیید ماهیت جهانی و بدن‌مندی استعاره‌های ظرف چنین استدلال می‌کنند: «ما موجوداتی فیزیکی هستیم که [...] بقیه جهان را به عنوان مکانی خارج از خودمان تجربه می‌کنیم. هر یک از ما ظرفی با سطحی محدود و با جهت‌گیری به سمت داخل-خارج هستیم». (لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰: ۲۹).

استعاره‌ی سطح عام [حالت‌ها مکان‌اند] به عنوان بخشی از استعاره‌ی [رویداد- ساختار مکان] مطرح می‌شود. از استعاره‌های زیرمجموعه‌ی آن می‌توان به استعاره‌های [عواطف مکان‌اند] (EMOTIONS ARE LOCATION)، [عواطف شیء‌اند] (EMOTIONS ARE OBJECTS) و [عواطف نیرواند] (EMOTIONS ARE FORCES) اشاره کرد که مورد بحث این پژوهش قرار دارند. استعاره‌ی سطح عام [عواطف مکان‌اند]، زیرمجموعه‌ی استعاره‌ی سطح عام‌تر [حالت‌ها، مکان‌اند] به‌شمار می‌رود (لیکاف، ۱۹۹۱: ۱۴۴). استعاره‌ی سطح عام [حالت‌ها شیء‌اند] (STATES ARE OBJECTS) در واقع از استعاره‌ی سطح عام [ویژگی‌ها دارایی‌اند] (POSSESSIONS PROPERTIES ARE) برگرفته شده است و خود این استعاره حاصل تلفیق استعاره‌های سطح عام‌تر [حالت‌ها مکان‌اند] و [مکان‌ها دارایی‌اند] (LOCATIONS ARE POSSESSIONS) دانسته می‌شود (لیکاف، ۱۹۹۱: ۲). استعاره‌ی سطح عام [عواطف نیرواند] با استعاره‌ی سطح عام‌تر [نیروهای روانی، نیروهای فیزیکی‌اند] (PSYCHOLOGICAL FORCES ARE PHYSICAL FORCES) ارتباط مستقیم دارد (صص، ۱۳۱-۱۴۱). بررسی و اثبات جهانی بودن نظام استعاره‌ی شناختی، توجه ویژه‌ای را به استعاره‌ی [رویداد- ساختار] و استعاره‌های زیرمجموعه آن می‌طلبد.

پژوهش حاضر به مطالعه‌ی پیکره‌ای استعاره‌ی مفهومی حوزه ترس درسه اثر ادبی به زبان‌های فارسی سنگ صبور، انگلیسی خشم و هیاهو (Sound and Fury)، و عربی میرامار (Mirar) پرداخته‌است. از آنجایی که تحقیق ما هر یک از این سه اثر را به‌طور کامل بررسی کرده‌است، این پرسش‌ها قابل طرح‌اند: نخست این که مفاهیم حوزه‌های مبدأ و پربسامدترین آن‌ها در استعاره‌های مفهومی حوزه‌ی ترس بر اساس سه داستان سنگ صبور، خشم و هیاهو و میرامار کدامند؟ دیگر اینکه چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین حوزه‌های مبدأ در داستان‌های سنگ صبور و خشم و هیاهو، سنگ صبور و میرامار، میرامار و خشم و هیاهو و هم چنین داستان‌های سنگ صبور و خشم و هیاهو و میرامار وجود دارد؟ و نهایتاً چگونه می‌توان بر اساس این شباهت‌ها و تفاوت‌ها جهانی بودن یا فرهنگ‌ویژه بودن استعاره‌ی مفهومی حوزه ترس را نمایش داد؟ برای یافتن پاسخ سؤالات فوق، بررسی خود را با مروری بر پیشینه‌ی پژوهش پی می‌گیریم. نظام معرفی پیشینه این پژوهش موضوعی-تاریخی است.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

بخشی از پژوهش‌های مرتبط با استعاره‌ی مفهومی حوزه ترس بدین قرار شناسایی شدند. رادسپ (Rodsap)، رادپن (Rodpan) و سوکلک (Suklek) (۲۰۲۲) در پژوهشی به زبان تایلندی، ۹ حوزه مبدأ را برای مفاهیم ترس و غم با بیشترین بسامد در دوران کرونا مشخص می‌کنند: تسلط، گیاه، موجود ماوراءالطبیعه، غذا، ماده گران‌بها، جنگ، ماده، حیوان و انسان، به‌ویژه اعضای بدن. مهدی‌پور و شهبازی (۱۳۹۹) در مقاله‌ی خود استعاره‌های ترس، درد و شادی را در آثار سیمین دانشور بررسی کرده‌اند. با توجه به این تحقیق می‌توان به پربسامدترین حوزه‌های مبدأ برای مفهوم ترس: حرکت، اعضای بدن و شیئی و برای مفهوم درد: اعضای بدن، مکان، حرکت و شیئی و برای مفهوم شادی: نور و روشنایی، شیئی و حرکت اشاره کرد. زبین (Zibin) و حمدان (Hamdan) (۲۰۱۹) با شناسایی شباهت‌ها و تفاوت‌ها در حوزه‌ی مفهومی ترس در زبان‌های عربی اردنی و انگلیسی پی بردند که شباهت‌های بین دو زبان با تکیه بر شناخت بدن‌مند جهانی قابل توضیح است، درحالی که تفاوت‌ها منعکس‌کننده تجربیاتی هستند که برای یک گروه اجتماعی-فرهنگی خاص مشترک‌اند. رویش و لوتکووسکا (Rewiś-Łętkowska) (۲۰۱۹) در بررسی تعامل بین ساختارهای تخیلی، استعاره، مجاز و طرح‌واره‌های تصویری نشان می‌دهند که استعاره‌های حاصل از تأثیر فیزیولوژیکی برای مجاز در حوزه‌ی مفهومی ترس کمترین تنوع زبانی را نمایان می‌سازد و به همین دلیل زبان لهستانی و انگلیسی

عمدتاً نه تنها در مفاهیم استعاری، بلکه در بسیاری از عبارات استعاری، نیز مشترک‌اند. مولودی و کریمی دوستان، (۲۰۱۷) پس از تجزیه و تحلیل داده‌های حوزه ترس در زبان فارسی مشخص می‌کنند که بخش اعظم مفهوم‌سازی حوزه ترس در این زبان استعاری است، همچنین تأیید می‌کنند که بخش قابل توجهی از نظام مفهومی بشر استعاری است. افراشی (۱۳۹۶) در بررسی داده‌های تحولات ریشه‌شناختی، در بیش از بیست و پنج زبان، در حوزه‌های عاطفی ترس و خشم، مشخص می‌کند که پیوندهای ریشه‌شناختی روشنی که بین واژه‌های این دو حوزه‌ی عاطفی وجود دارد، تابع الگوهای انطباقی هستند. قوچانی (۱۳۹۵) با بهره‌بردن از کلیدواژه‌های مفهوم «ترس»، مشخص می‌سازد که حوزه‌های مبدأ «ماده»، «نیرو» و «حرکت» پرکاربردترین حوزه‌های مبدأ در مفهوم‌سازی حوزه «ترس» در پیکره‌ی مورد بحث او هستند. آنسا (۲۰۱۴) در پژوهشی راجع به نقش فرهنگ در مفهوم‌سازی‌های استعاری/مجازی ترس، در زبان آکان و انگلیسی، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی را در این دو زبان یافت. در همین تحقیق مشخص شد که شباهت‌ها تأیید کننده‌ی موضوع شناخت بدن‌مند فرهنگی‌اند، درحالی‌که، تفاوت‌های موجود نشانگر وابستگی تجربیات انسانی به یک گروه اجتماعی-فرهنگی ویژه است. اسنوا (Esenova) (۲۰۱۱) نشان داد که انسان‌ها از دانش خود در زمینه‌های فیزیکی مثل تعامل با سایر موجودات زنده، برای درک خشم، ترس و اندوه استفاده می‌کنند. ریتووا (Retová) (۲۰۰۸) با بررسی و تحلیل شش مفهوم عاطفی: خشم، ترس، شادی، غم، غرور و شرم در زبان اسلواکی و مقایسه آن‌ها با ساختار انگلیسی، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در ساختار دو زبان و در سطحی ملموس‌تر را نشان می‌دهد.

۳. روش انجام پژوهش

پژوهش حاضر دارای ماهیتی کیفی و از نوع توصیفی-تحلیلی و به شیوه تطبیقی است، که مقایسه و مقابله‌ی استعاره‌های مفهومی محور بحث هستند. در این مسیر مقایسه، شباهت‌ها و مقابله، تفاوت‌ها را آشکار خواهد کرد. با توجه به محدودیت‌های پژوهش و لزوم تمرکز بیشتر بر مقایسه بینا فرهنگی، از روش جستجوی واژه‌های حوزه‌ی مقصد و مترادف آن‌ها - با توجه به بافت زبانی مربوطه- استفاده شده‌است. برای استخراج کلیدواژه‌های حوزه‌ی مقصد مفهوم ترس در زبان فارسی از فرهنگ جامع مترادف و متضاد زبان فارسی (خداپرستی، ۱۳۷۶) و در زبان انگلیسی از فرهنگ ویستر آنالین و در زبان عربی از فرهنگ فرزانه (طیبیان، ۱۳۸۷) استفاده شد.

بررسی استعاره مفهومی حوزه ترس ... (نسرین محمودی برمی و دیگران) ۲۵۷

سپس با تحلیلی نظام‌مند، نمونه‌های دارای استعاره برای بررسی حوزه مبدأ و نام‌نگاشت‌های موجود در آن‌ها شناسایی و از متن کامل هریک از داستان‌ها استخراج شدند. شناسایی و تحلیل زبان استعاری کاری دشوار است،

اصلی‌ترین مشکل در این‌گونه بررسی‌ها، این است که پژوهشگران برای تصمیم‌گیری جهت تعیین این‌که چه چیزی یک واژه یا عبارت استعاری را می‌سازد، صرفاً بر شَم خود تکیه می‌کنند و شَم آن‌ها می‌تواند متفاوت باشد. کارشناسان استعاره [...] معیارهایی برای مشخص ساختن این‌که چه چیزی استعاری است [...] ارائه نمی‌کنند (علی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۱۴-۱۱۳).

برای حل این مشکل، ما از «روند تشخیص استعاره» (Metaphor Identification Procedure) که توسط گروهی از متخصصین استعاره به سرپرستی جرالد آستین پیشنهاد شده است، (پرگلیجاز (PragglejazGroup)، ۲۰۰۷) استفاده خواهیم کرد.

۴. تحلیل داده‌ها

پرسش‌های ما می‌طلبید که با بررسی کامل سه اثر به‌زبان اصلی، ابتدا داده‌های هر داستان تحلیل شود و بسامد نام‌نگاشت‌ها و استعاره‌های عام حاصله مشخص گردد؛ پس از آن با استفاده از نتایج، ابتدا پیکره داستانی سنگ‌صبور (زبان فارسی)، و سپس خشم و هیاهو (زبان انگلیسی) و در نهایت *میرامار* (زبان عربی) بررسی و آنگاه مفاهیم حوزه مقصد، استخراج و نام‌نگاشت‌های مربوطه مشخص گردد.

۱.۴ داستان سنگ‌صبور

مفهوم حوزه‌ی مقصد ترس مترادف‌های زیادی در زبان فارسی دارد اما نمونه‌هایی مانند اضطراب، باک، بیم، پروا، تشویش، خوف، دغدغه، رعب، محابا، واهمه، وحشت، وهم، هراس، هول، هیبت، با توجه به بافت زبانی و تعیین استعاری بودن یا نبودنشان در داستان سنگ‌صبور با ۱۷۴ مورد استعاری شناسایی شدند. جدول شماره ۱ مشخص می‌سازد که از ۱۹ حوزه‌ی مفهومی مبدأ، حوزه مبدأ شیئی/وسیله/دارایی با بسامد ۲۱ مورد در جایگاه اول و حوزه مبدأ موجود زنده با بسامد ۲۰ مورد در جایگاه دوم و اعضای بدن ظرف با ۱۷ مورد استعاری در جایگاه سوم قرار دارند. دیگر حوزه‌های مبدأ شناسایی شده در این داستان به ترتیب بسامد

از این قرارند: سفر، نیروی طبیعی، تغییر حالت بدن، حصار/مانع، آتش/گرما، برتری اجتماعی، خوردنی با بسامد ۸ مورد و لرزش و فشار در ظرف با بسامد ۴ مورد و صدا و ماشین به ترتیب ۳ و ۱ مورد.

جدول ۱. حوزه های مبدأ به کار رفته در داستان سنگ صبور برای بیان مفهوم حوزه‌ی ترس

بسامد	حوزه‌ی مبدأ	بسامد	حوزه‌ی مبدأ
۸	تغییر حالت بدن	۲۱	شیئی/وسیله/دارایی
۸	حصار/مانع	۲۰	موجود زنده
۸	آتش/گرما	۱۷	عضو بدن ظرف
۸	برتری اجتماعی	۱۰	عضو بدن
۷	خوردنی	۱۰	مرگ
۴	لرزش	۱۰	مکان/ظرف
۴	فشار در ظرف	۹	مایع/ماده در ظرف
۳	صدا	۹	صدا ظرف
۱	ماشین	۸	سفر
		۸	نیروی طبیعی

استعاره‌هایی که در ادامه همراه با مثال آمده‌اند همه به استعاره‌های سطح خاص تعلق دارند.

[ترس شیئی/ماده/وسیله است.] (FEAR IS SUBSTANCE, THING, TOOL)

مالکیت حتماً از همون اولش چیز وحشتناکی بوده. آدم می‌خواسه هر چیزی مال خودش باشه.

تقسیم‌بندی زیر براساس طبقه‌بندی کوچش است اما برخی از پژوهش‌گران (شرف‌زاده،

۱۳۹۱؛ قوچانی و دیگران، ۱۳۹۵؛ زبیین و حمدان، ۲۰۱۹ و اسنوا، ۲۰۱۱). طبقه‌بندی‌های

متفاوتی برای استعاره [ترس موجود زنده است] دارند: برخی تمامی موجودات زنده را با هم

در نظر می‌گیرند، برخی جانوران و گیاهان و برخی دیگر انسان، حیوان و گیاه را جداگانه در

نظر می‌گیرند. برخی دیگر از پژوهش‌گران رفتارهای حیوانی یا انسانی را هم جزء استعاره

[ترس موجود زنده است] به حساب می‌آورند و برخی دیگر آن را جدا می‌کنند. مثال زیر برای

استعاره‌ی [ترس گیاه(دانه) است] (FEAR IS PLANT) نمونه‌ی مناسبی است:

این درست دوی درد این بیچاره است. غم و ترسی که تو تو دلش کاشتی پاد زهرش همین

شرابه.

بررسی استعاره مفهومی حوزه ترس ... (نسرین محمودی برمسی و دیگران) ۲۵۹

و مثالی برای [ترس حیوان است] (FEAR IS ANIMAL) :

تا پیش از اون که من پیام خونه حاجی، زلیخا سوگلی خونه بود و من خودم می دیدم که اونای دیگه مته سگ ازش می ترسیدن. منم می ترسیدم و دم به دمش نمی دادم.

مثال زیر نمونه‌ای برای استعاره [ترس رفتار حیوانی/انسانی است] (FEARFUL)

: (BEHAVIOR IS THE BEHAVIOR OF ANIMAL OR HUMAN)

ترس چه جور روحشو تو چنگ گرفته؟ چه عکس‌العملی برابر مرگ داشته؟

چند مورد دیگر:

[عضو بدن ظرف ترس است]، (DIFFERENT PARTS OF BODY ARE CONTAINER

FOR FEAR)

تو که همین جوری چشای منو نمی تونی ببینی. اگه می دیدی از ترس پس می افتادی. چشای من خیلی ترسناکه.

[ترس عضو بدن (انسان/حیوان) است] (FEAR IS PART OF BODY)،

دو تا شاخ وحشتناک و کوتاه تو مغز سرم دارم که هر وخت بخوام می تونم درازشون کنم و کششون بدم.

[ترس مرگ است] (FEAR IS DEATH)،

یه تکون خرد کننده آدم رو جا کن می کنه و می شکنه. یه جوری می شه. اصل کار، ترس همون آنيه که آدم می دونه داره می میره.

[ترس ظرف/مکان است] (FEAR IS CONTAINER)،

اونم مته تو لجباز و حرف نشنو بود. همیشه تو شک و ترس زندگی می کرد.

[ترس مایع/ماده در ظرف است] (FEAR IS A FLUID IN A CONTAINER)،

مته این که می ترسه یه چیزی از تو دهنش بیرون بیفته.

[ترس سفر/مسیر است] (FEAR IS JOURNEY/ WAY)،

چند وقت پیش رفته بود جون یه خر مردنی رو بگیره، خره چون لگدی واسش پرانده بود که او از ترس در رفته بود.

[ترس مانع/حصار است] (FEAR IS A PHYSICAL BARRIER/ FENCE)،

از ترسش جرأت ندارم پامو دم کوچه بذارم

[ترس آتش/گرما است] ((FEAR IS FIRE/ HEAT))،

جابجای صحنه لک‌های نور سرخ و بنفش و سبز افتاده و هراز گاهی توده ابری می‌گذرد و صحنه را با انوار رویایی سایه روشن می‌دهد. از درون قاب پنجره بزرگی آتشفشان هول‌انگیز دوزخ زبانه می‌کشد.

[ترس مزه و بو و خوردنی است] (FEAR IS SMELL, TASTE, EATING).

نمی‌خواد بره. سخت هول خورده.

[ترس فشار در ظرف است]، (FEAR IS A PRESSURE IN A CONTAINER)

آدم‌لای ماسه‌های نموک، مته کباب لای نون روهم تا میشن و توفشار بی‌هوا و وحشتناک خروارها خاک، له و لورده میشن

[صدا ظرف ترس است] (VOICE IS A CONTAINER FOR FEAR).

از بو گند جهان سلطون و چرق چرق تیرای سقف وحشت می‌کنم، پاشو دس هم رو بگیریم و از اینجا بریم.

استعاره‌هایی که تا به حال شناسایی شده‌اند بخشی از استعاره‌های سطح خاص هستند که در پژوهش‌های متعدد گذشته (مولودی و کریمی، ۲۰۱۷؛ بارسلونا، ۱۳۹۰؛ زبیبین و دیگران، ۲۰۱۸) در اکثر زبان‌ها بررسی شده‌اند. به‌عنوان مثال (کوچش، ۲۰۰۰: ۲۳) یازده استعاره‌ی سطح خاص را در حوزه مفهومی ترس نام می‌برد: [ترس مایع در ظرف است]، [ترس حیوان پنهان شده است]، [ترس عذاب‌دهنده است]، [ترس موجود ماوراءالطبیعه است]، [ترس بیماری است]، [ترس دیوانگی/جنون است]، [ترس وجود مجزا است]، [ترس دشمن در میدان نبرد است]، [ترس حصار/مانع است]، [ترس نیروی طبیعی است] و [ترس برتری اجتماعی است]. محققین دیگر (قوچانی و دیگران ۱۳۹۵؛ زبیبین و حمدان ۲۰۱۹؛ اسنوا ۲۰۱۱ و تاویچای ۲۰۰۷) استعاره‌های سطح خاص دیگری به این مجموعه افزوده‌اند.

۱.۱.۴ استعاره‌های سطح عام در داستان سنگ صبور

استعاره‌های سطح خاصی که در قسمت قبل مشخص شدند، زیرمجموعه استعاره‌های سطح عامی هستند که در ادامه به تفصیل در نمونه‌های استخراج شده از داستان سنگ صبور به آن‌ها اشاره می‌شود. لازم به ذکر اینکه استعاره‌های سطح عامی که در مفهوم‌سازی یک استعاره سطح خاص نقش دارند برای تمامی نگاشت‌های آن استعاره‌ی سطح خاص نیز صدق می‌کنند.

هنگامی که بسامد وقوع سه استعاره‌ی سطح عام [عواطف مکان‌اند]، [عواطف شیئی‌اند] و [عواطف نیرواند] را در هر سه داستان بررسی می‌کنیم مشخص می‌شود که تمایل نویسندگان به‌استفاده از کلامیک بیشتر بوده و به‌این ترتیب در مورد جهانی بودن استعاره‌های مفهومی از دیدگاه شناختی به نتایج بهتری می‌رسیم. ابتدا استعاره‌های سطح عام موجود در سنگ صبور را شناسایی و سپس استعاره‌های عام موجود در دو داستان دیگر را در جای خود بررسی می‌کنیم. در این داستان، چوبک استعاره‌های سطح عام [عواطف مکان‌اند]، [عواطف شیئی‌اند] و [عواطف نیرواند] را به‌شرح زیر به‌کار برده‌است:

استعاره‌ی سطح عام [عواطف شیئی‌اند] در هفت استعاره‌ی سطح خاص دیده‌شدند که شامل حوزه‌های مبدأ شیئی، موجود زنده، عضو بدن، صدا، خوردنی، مانع و ماشین می‌شود. به‌عنوان مثال: در جمله‌ی با ترس نیم‌خیز می‌شه که بنشینه. استعاره‌ی سطح خاص [ترس شیئی/وسیله است] دیده می‌شود. این مفهوم از استعاره‌ی سطح عام [ویژگی‌ها دارایی‌اند] گرفته شده که با استعاره‌ی سطح عام یاد شده یعنی [عواطف شیئی‌اند] در ارتباط است. استعاره‌ی سطح عام [ویژگی‌ها دارایی‌اند] نتیجه تلیق دو استعاره‌ی سطح عام تر [حالت‌ها، مکان‌اند] و [مکان‌ها، دارایی‌اند] است. دو استعاره‌ی مذکور با ارتباط به استعاره‌ی سطح عام تر [ویژگی‌ها، ظرف‌اند] به استعاره‌ی سطح عام [ساختار- رویداد] مرتبط می‌شوند.

در جمله‌ی بعد، استعاره‌ی سطح خاص [ترس موجود زنده است] را داریم. استعاره‌ی سطح عام این جمله [عواطف حیوان/انسان است] شمرده می‌شود که با استعاره‌های سطح عام تر [انسان حیوان است] و [عواطف انسان‌اند] در ارتباط است:

من خیلی از سوسک شدن می‌ترسم. یک روز خشمش گرفت فوتم کرد سوسک شدم.

در جمله زیر استعاره‌ی خاص تر [ترس گیاه است] را داریم که این استعاره‌ی سطح خاص با استعاره‌ی سطح عام [عواطف کاشتنی‌اند] (EMOTIONS ARE CULTIVATION) در ارتباط بوده و زیرمجموعه‌ی استعاره‌ی سطح عام تر [عواطف شیئی‌اند] است که با تلیق چندین استعاره سطح عام تر، به لایه زیرین شناختی-معنایی یعنی استعاره [ساختار رویداد] می‌رسیم:

که ترا درود گوئیم و بیم ترا در دل بپرورانیم...

در استعاره‌ی [ترس رفتار حیوانی/انسانی است]، تلیقی از استعاره‌های سطح عام [عواطف انسان‌اند] (ARE PEOPLE EMOTIONS) و [انسان‌ها، حیوان‌اند] (PEOPLE ARE ANIMAL) و [رفتار موجود ترسیده، رفتار حیوان/انسان ترسیده‌است] دیده می‌شود که همگی با استعاره‌ی

سطح عام‌تر [عواطف (حالت‌ها)، شیء‌اند] در ارتباط هستند. این استعاره در جمله‌ی زیر نیز دیده می‌شود:

ترس چه جور روحشو تو چنگ گرفته؟

یادآوری می‌کنیم که در پژوهش ما، استعاره‌های [ترس، گیاه است] و [ترس، رفتار حیوانی/انسانی است] به‌عنوان بخشی از استعاره‌ی [ترس، موجود زنده است] در نظر گرفته شده‌است.

در جمله‌ی: *اما با وجود این نمی‌دونی چه سرترسی داره*. شاهد استعاره‌ی سطح خاص [ترس عضو بدن است] هستیم که با توجه به استعاره‌ی سطح عام [عواطف شیء‌اند] واژه «سر» را به‌عنوان ترس در نظر گرفته‌است.

استعاره‌ی عام [عواطف مکان‌اند] در استعاره‌های سطح خاص با حوزه‌ی مبدأ ظرف/مکان، ماده/مایع در ظرف، فشار در ظرف و سفر دیده می‌شود. استعاره‌های خاص [عضو بدن، ظرف ترس است] و [صدا، ظرف ترس است] نیز زیر مجموعه این استعاره‌ی عام به‌حساب می‌آیند. دو استعاره‌ی سطح خاص [عضو بدن، ظرف ترس است] و [صدا، ظرف ترس است]، زیر مجموعه‌ی استعاره‌ی سطح عام [اشیا، ظرف عواطف‌اند] (OBJECTS ARE ENTITIES FOR EMOTIONS) شمرده می‌شوند که با استعاره‌ی [بدن، ظرف عواطف است] (BODY IS CONTAINER FOR EMOTIONS) در ارتباط هستند و به استعاره‌ی سطح عام‌تر [عواطف مکان‌اند] مربوط می‌شوند. نمونه‌هایی برای آن‌ها در ادامه آورده شده‌است:

فقط کافی‌ه که برای یک لحظه ترس از دل خودت دور کنی.

ز روان سبویی از شراب سر می‌کشد و صدای چندانش آور ترسناک خود را بیرون می‌دهد.

استعاره‌ی سطح خاص [ترس سفر است] در جمله‌ی

چند وقت پیش رفته بود چون یه خر مردنی رو بگیره، خره چون لگدی و اشش پیرانده بود که او از ترس در رفته بود؛ دیده می‌شود. استعاره‌ی سطح عام‌تر مربوط به این جمله استعاره سطح عام [کنش هدفمند طولانی، سفر است] دانسته می‌شود که خود زیر مجموعه‌ی استعاره‌ی سطح عام‌تر [حالت‌ها، مکان‌اند] است.

لیکاف استعاره‌هایی از نوع بالا را چنین توضیح می‌دهد: «درگیر شدن در یک اقدام طولانی مدت شامل تغییر حالت، هدف و رویدادهای خارجی است که بر فرد تأثیر می‌گذارد. تغییری که فرد هنگام درگیر شدن در فعالیت متحمل می‌شود به‌عنوان حرکت از یک مکان به مکان دیگر درک می‌شود. تغییری که فرد تحت تأثیر رویدادهای بیرونی نشان می‌دهد، به‌عنوان

«کنترل بر مکان آن رویدادها» تلقی می‌شود. این تغییر توسط یک نیروی خارجی اعمال می‌گردد. بنابراین، رویدادهای خارجی به عنوان چیزها (یا سیال‌ها) بی در حرکت، با جهت و سرعت و با نیرویی که می‌تواند بر سفر فرد تأثیر بگذارد، دیده می‌شود» (لیکاف، ۱۹۹۱: ۳۶). در مثال بالا، ترس به عنوان رویدادی بیرونی بر فرد تأثیر گذاشته و باعث حرکت می‌شود.

استعاره‌ی [عواطف نیرواند] در استعاره‌های سطح خاص با حوزه‌های مبدأ مرگ، لرزش، برتری اجتماعی، تغییر حالت بدن، نیروی طبیعی و گرما دیده شد. در جمله‌های:

من چرا همش باید دلهره مرگ و میر را داشته باشم؟

استعاره‌ی سطح خاص [ترس مرگ است] مطرح شده است. این استعاره نیز زیرمجموعه‌ی استعاره‌ی سطح عام‌تر [رویداد-ساختار] شمرده می‌شود و حد فاصل این استعاره‌ی سطح عام و این استعاره‌ی سطح خاص به ترتیب از عام به خاص عبارتند از: [ویژگی‌ها ظرف‌اند]، [حالت‌ها مکان‌اند]، [حالت‌ها نیرواند]، [عواطف نیرواند]، [نیروهای روانی نیروهای فیزیکی‌اند].

استعاره‌ی سطح خاص [ترس برتری اجتماعی است] به عنوان یکی از استعاره‌های مربوط به استعاره‌ی سطح عام [نیروهای روانی نیروهای فیزیکی‌اند] در جمله‌ی زیر دیده می‌شود:

مرده شور اون در او ملای ببرد که تواز توش در او ملای. همش می‌ترسیمم ازان بیاد بگیردم.

با توجه به نتایجی که به دست آمده است استعاره سطح عام [عواطف شیء‌اند] در ۷ مورد، استعاره [عواطف مکان‌اند] در ۶ مورد و [عواطف نیرواند] در ۶ مورد دیده شدند، می‌توان گفت که چوبک یا به عبارتی برخی فارسی‌زبانان برای بیان مفهوم انتزاعی ترس، بیشتر از مفهوم شیء استفاده می‌کنند و استعاره‌های مکان و نیرو به طور برابر در جایگاه دوم برای بیان استعاره‌ی مفهوم ترس به کار رفته‌اند.

۲.۴ داستان خشم و هیاهو

در این بخش نیز نمونه‌های مترادف به کار رفته در مفهوم حوزه‌ی مقصد ترس (FEAR) با تکیه بر فرهنگ و بستر به شرح زیر استخراج شد:

(Alarm, anxiety, dread, fearfulness, fright, horror, , scare, terror, care, concern, sweat, unease, worry, bother, stress, trouble)

با توجه به بافت زبانی آن‌ها، ۱۸۱ استعاره‌ی مفهومی در حوزه‌ی مقصد ترس، ۱۶ حوزه‌ی مبدأ را در بر می‌گیرد. در جدول شماره‌ی ۲ حوزه‌ی مبدأ شیء/وسیله/دارایی با بسامد ۳۰ مورد، حوزه‌های مبدأ ماده در ظرف، موجود زنده، سفر با بسامد ۱۴ مورد و حوزه‌ی مبدأ وجود

ماوراءالطبیعه ۱۲ مورد، حوزه‌ی مبدأ حصار/مانع ۱۱ مورد، حوزه‌های مبدأ ظرف/مکان، عضو بدن، نیروی طبیعی و عضو بدن ظرف ۱۰ مورد، حوزه‌های مبدأ صدا ظرف، تغییر حالت، آتش ۹ مورد و حوزه‌های برتری اجتماعی و مرگ با ۸ مورد و بیماری با ۳ مورد دسته‌بندی شدند.

جدول ۲. حوزه‌های مبدأ به کار رفته در داستان خشم و هیاهو برای بیان مفهوم حوزه‌ی مقصد ترس

حوزه‌ی مبدأ	بسامد	حوزه‌ی مبدأ	بسامد
شبی/وسیله/اداری	۳۰	عضو بدن ظرف	۱۰
مایع/ماده در ظرف	۱۴	عضو بدن	۱۰
سفر	۱۴	تغییر حالت بدن	۹
موجود زنده	۱۴	صدا ظرف	۹
موجود ماوراءالطبیعه	۱۲	آتش/گرما	۹
حصار/مانع	۱۱	برتری اجتماعی	۸
مکان/ظرف	۱۰	مرگ	۸
نیروی طبیعی	۱۰	بیماری	۳

استعاره‌هایی که در ادامه همراه با مثال آمده‌اند همه به استعاره‌های سطح خاص تعلق دارند.

[ترس شبی/ماده/وسیله است] (FEAR IS THING / SUBSTANCE/ TOOL)

If we could have just done something so dreadful and Father said That's sad too

[ترس مایع/ماده در ظرف است] (FEAR IS A FLUID/SUBSTANCE IN THE

CONTAINER)

...I put the fear of God into Dilsey.

[ترس (رفتار) موجود زنده است] (FEAR IS HUMAN, ANIMAL (BEHAVIOR))

I says I'll swap with you any day because it takes a white man not to have anymore sense than to worry about what a little slut of a girl does.

[ترس موجود ماوراءالطبیعه است] (FEAR IS A SUPERNATURAL BEING)

"Whut dey needs is a man kin put de fear of God into dese here triflin young niggers."

[ترس مانع/حصار است]

Then you will have only me then only me then the two of us amid the pointing and the horror beyond the clean flame

[ترس ظرف/مکان است]

About four or five years ago he was taken sick. Scared the hell out of him so that when he was up again he joined the church...

بررسی استعاره مفهومی حوزه ترس ... (نسرین محمودی برمی و دیگران) ۲۶۵

(DIFFERENT PART OF) BODY IS A CONTAINER] [عضو بدن ظرف ترس است]

(FOR FEAR

My mouth saying Wait Wait just a minute through the sweat ah ah ah behind my teeth...

[ترس تغییر حالت بدن است] (FEAR IS CHANGE OF BODY)

They ... looked at me again with that delicate and curious horror, their veils turned back upon their little white noses and their eyes fleeing and mysterious beneath the veils.

[صدا ظرف ترس است]. (VOICE IS A CONTAINER FOR FEAR)

For an instant Ben sat in an utter hiatus. Then he bellowed. Bellow on bellow, his voice mounted, with scarce interval for breath.

[ترس برتری اجتماعی است]. (FEAR IS A SOCIAL SUPERIOR)

Do not be alarmed following government report.

۱.۲.۴ استعاره‌های سطح عام داستان خشم و هیاهو

همان‌گونه که در بخش قبل، برای کشف لایه‌ی زیرین شناختی نحوه‌ی مفهوم‌سازی و هم‌چنین یافتن «جهانی»‌های استعاری از استعاره‌های سطح عام استفاده کردیم، در مورد داستان انگلیسی خشم و هیاهو نیز به بررسی استعاره‌های سطح عام [عواطف مکان‌اند]، [عواطف شیئی‌اند] و [عواطف نیرواند] می‌پردازیم.

در این داستان، استعاره‌ی سطح عام [عواطف شیئی‌اند] در ۴ استعاره‌ی سطح خاص با حوزه‌های مبدأ شیئی، وجود ماوراءالطبیعه، عضو بدن، موجود زنده شناسایی گردید. در جمله‌ی زیر استعاره‌ی سطح خاص [ترس شیئی، ماده و ابزار است] دیده می‌شود که زیرمجموعه‌ی استعاره‌ی سطح عام [حالت‌ها شیئی‌اند] و [حالت‌ها مکان‌اند] به‌شمار می‌رود. در این جمله، حوزه‌ی مبدأ شیئی (آنچه ترسناک بود) و حوزه‌ی مقصد ترس و نگاشت بین این دو حوزه: [ترس شیئی ترسناک است] دیده می‌شود.

They cannot even remember tomorrow what seemed dreadful today and I said, You can shirk all things and he said, Ah can you

در جمله‌ی زیر:

We had to take her up to bed then, and after things got quieted down a little I put the fear of God into Dilsey.

با استعاره‌ی سطح خاص [ترس وجود ماوراءالطبیعه است] مواجه می‌شویم که زیرمجموعه‌ی استعاره سطح عام [عواطف شیئی‌اند] و استعاره‌ی سطح عام‌تر [حالت‌ها،

موجوداند] (STATES ARE BEING) تلقی می‌شود. نکته ظریف اینکه «ترس از خدا» یک وجود ماوراءالطبیعه است نه «خدا». به عبارت دیگر می‌گوید «ترس از خدا» را در دل دل‌سی گذاشته است. مثال زیر هم نشان می‌دهد که کریسمس با تقدس و ارتباط معنوی خود، امر ماوراءالطبیعه در نظر گرفته شده است.

Nobody knows how I dread Christmas.

در جمله‌ی زیر، از واژه‌ی عرق کردن ناشی از هراس برای مفهوم‌سازی حوزه‌ی ترس با استعاره [ترس مایع سیال است] استفاده شده است و استعاره‌ی سطح عام مربوطه [عواطف شیئی‌اند] است.

told me the bone would have to be broken again and inside me it began to say Ah Ah Ah and I began to sweat.

استعاره‌ی سطح عام [عواطف مکان‌اند] در ۵ استعاره‌ی سطح خاص با حوزه‌های مبدأ ظرف، سفر، عضو بدن ظرف ترس، مانع یا حصار، ماده یا مایع در ظرف و هم‌چنین یک استعاره‌ی خاص [صدا ظرف ترس است] شناسایی شده‌اند.

در استعاره‌ی سطح خاص [صدا ظرف ترس است] با در نظر گرفتن سلسله مراتب، از خاص به عام، ابتدا به استعاره‌ی سطح عام [اشیا ظرفی در درون فرد برای عواطف‌اند] و در سطحی عام‌تر به استعاره‌ی [حالت‌ها شیئی‌اند] می‌رسیم.

There was more than astonishment in it, it was horror; shock; agony eyeless, tongueless; just sound

در جمله‌ی زیر استعاره‌ی سطح خاص [عضو بدن ظرف ترس است] دیده می‌شود. استعاره‌های سطح عام مربوط به این جمله، [بدن ظرف عواطف است] و [عواطف موجودیتی درون فرد اند] (EMOTIONS ARE ENTITIES WITHIN A PERSON) است.

...Jason was the only one my heart went out to without dread

هم‌چنین استعاره‌ی سطح خاص [ترس مانع یا حصار است] در جمله‌ی زیر دیده می‌شود که زیرمجموعه‌ی استعاره‌ی سطح عام [عواطف شیئی‌اند] به شمار می‌رود.

Only you and me then amid the pointing and the clean flame walled by horror

در جمله زیر استعاره‌ی سطح خاص تر [ترس خون در ظرف است] (Fear is blood in a container) را شاهدیم که با استعاره‌ی سطح خاص [ترس مایع یا ماده در ظرف است] در ارتباط است، هم‌چنین به زیرمجموعه‌ی استعاره‌ی سطح عام [حالت‌ها اشیاء در ظرف‌اند] تعلق دارد.

I look at him every day dreading to see this Compson blood beginning to show in him at last with his sister slipping out to see what do you call it

بررسی استعاره مفهومی حوزه ترس ... (نسرین محمودی برمی و دیگران) ۲۶۷

در مورد استعاره‌ی سطح عام [عواطف نیرواند]، شش استعاره‌ی سطح خاص با حوزه‌های مبدأ آتش، نیروی طبیعی، بیماری، مرگ، برتری اجتماعی و تغییر حالت بدن را داریم. در استعاره‌ی سطح خاص [ترس تغییر حالت بدن (چشم و چهره و...)] است [نیز شاهد استعاره‌ی سطح عام [نیروهای روانی، نیروهای فیزیکی اند] هستیم.

They watched me through veils, with a kind of delicate horror.

با بررسی استعاره‌های سطح عام شناسایی شده، مشخص می‌شود که فاکنر برای مفهوم‌سازی احساس ترس در رتبه دوم از استعاره‌ی سطح عام [عواطف شیء است] با ۴ مورد، و در رتبه اول استعاره‌های سطح عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند]، هر دو با بسامد ۶ مورد را به کار می‌گیرد. این نتایج نشان می‌دهند که فاکنر برای بیان مفهوم انتزاعی ترس بیشتر از استعاره‌های سطح عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] و کمتر از استعاره‌ی سطح عام [عواطف شیء است] استفاده کرده‌است.

۳.۴ داستان میرامار

واژه‌های عربی فرهنگنامه‌ای مترادف با مفهوم حوزه مقصد ترس (خوف) حدود ۶۲ مورد است اما فقط کاربرد نمونه‌هایی مانند الخوف، الجبن، الرعب، وحشة، الخشي، البأس، الهيبة، الرهباء، الحذر، الاهتمام، الفزع، الحذر، الحقل، الرقبة، النجدة، الندارة، التوجس، الهم، الهول در داستان میرامار دیده می‌شود. از این میان ۱۷۱ استعاره‌ی مفهومی در حوزه‌ی مقصد ترس شناسایی و با توجه به حوزه‌های مبدأ به ۱۷ گروه تقسیم شدند. حوزه‌ی مبدأ شیء با ۲۰ مورد، حوزه‌ی مبدأ ماده یا مایع در ظرف با بسامد ۱۶ مورد، حوزه‌های مبدأ ظرف یا مکان و عضو بدن ظرف ۱۳ مورد، موجود زنده و نیروی طبیعی ۱۱ مورد، حوزه‌های مبدأ صدا و تغییر حالت بدن ۱۰ مورد، سفر ۹ مورد، حصار یا مانع، خوردنی، برتری اجتماعی، عضو بدن و موجود ماوراءالطبیعه ۸ مورد، جنگ یا دشمن در میدان نبرد ۷ مورد، شکنجه گر ۳ مورد و حوزه‌ی مبدأ دیوانگی ۱ مورد، شناسایی شدند.

جدول ۳. حوزه‌های مبدأ به کار رفته در داستان *میر/مار* برای بیان مفهوم حوزه‌ی مقصد ترس

حوزه‌ی مبدأ	بسامد	حوزه‌ی مبدأ	بسامد
شبی/وسیله/دارایی	۲۰	حصار/مانع	۸
مایع/ماده در ظرف	۱۶	خوردنی	۸
مکان/ظرف	۱۳	برتری اجتماعی	۸
سفر	۱۲	عضو بدن	۸
موجود زنده	۱۲	موجود ماوراالطبیعه	۸
نیروی طبیعی	۱۱	دشمن در میدان نبرد/جنگ	۷
تغییر حالت بدن	۱۰	شکنجه‌گر	۳
صدا ظرف	۱۰	دیوانگی	۱
عضو بدن ظرف	۸		

استعاره‌های سطح خاص:

[ترس شبی/وسیله/ماده/وسیله است]

فی عجله و خوف یفسدان السرور

[ترس مایع/ماده در ظرف است]

قلت بهدوء مخیف

[ترس ظرف/مکان است]

كان عامر وجدی شخصاً فريداً، له في الرجاء جانب يرده الأصدقاء، و في الخوف جانب يتجنبه الأعداء

[ترس سفر/مسیر است]

و عاودنی القلق و الكآبه

[ترس موجود زنده است]

و مثله خلیق بان یخاف خیاله

همانگونه که در بخش‌های قبل گفته شد، برخی از پژوهشگران، استعاره‌ی سطح خاص

[ترس (رفتار) موجود زنده است] را جدای از استعاره‌ی [ترس موجود زنده است] می‌دانند.

تراجعت ألی حجرتی خشیه أن أندفع مع عواطفی الجامحه

[ترس نیروی طبیعی است].

وآن الأوان فدفعت بقاربي المضطرب إلى بحرالأنعام و الطرب

[ترس تغییر حالت بدن (چشم و چهره و ...) است]

فاستقرت فی عینہا نظره حدره

[صدا ظرف ترس است]

ثم هتفت ماریانا بخوف.

[عضو بدن ظرف ترس است]

و اهترالغواد من أعماقه / قالتها بإصرار رهيب ، ثم تبدی الإعیاء فی أعماق عینها

[ترس مزه، بو و خوردنی است]

حملت فی وجهی ذابله غیر مصدقه تعیسه غاضبه، فقلت ممعنا فی وحشیتی.

[ترس برتری اجتماعی است]

توقع أن یجئ البولیس فیقلق راحتنا

[ترس عضو بدن است]

قالتها بإصرار رهيب ، ثم تبدی الإعیاء فی أعماق عینها

[ترس موجود ماوراء الطبیعه است]

و خوف مثل الشیطان

[ترس دشمن در میدان نبرد است]

ولکننی لم أهادن فکرة الزواج المرعبه

برخی از محققین استعاره‌ی سطح خاص [ترس جنگ است] را جدای از این استعاره

می‌دانند.

استیقظت علی ضوضاء و صخب ... أهو صوت یندعن الصراع الذی یتلاطم فی باطنی؟

[ترس شکنجه‌گر است]

أخشی أن تجد فی صحبتی مصدر اللعذاب.

[ترس دیوانگی است]

کانت قلقه متوتره الأعصاب فأکثرت من التدخین

۱.۳.۴ استعاره‌های سطح عام داستان *میرامار*

همان‌گونه که در دو بخش گذشته به بررسی استعاره‌های عام داستان‌های سنگ صبور و خشم و هیاهو پرداختیم اینک استعاره‌های سطح عام موجود در داستان *میرامار* را بررسی می‌کنیم تا مشخص شود محفوظ برای بیان مفهوم انتزاعی ترس چه مفاهیم فیزیکی و عینی را به‌کار برده‌است. استعاره‌های سطح عام مورد بررسی بدین قرارند: [عواطف مکان‌اند]، [عواطف شیء‌اند] و [عواطف نیرواند].

در داستان *میرامار*، استعاره‌ی سطح عام [عواطف شیء‌اند] در ۷ استعاره‌ی سطح خاص دیده می‌شود؛ حوزه‌های مبدأ عبارتند از شیئی/وسیله/دارایی، موجود زنده، مانع/حصار، موجود ماوراءالطبیعه، عضو بدن، خوردنی و شکنجه‌گر. جمله‌ی زیر استعاره‌ی سطح خاص [ترس موجود زنده است] را در خود دارد که زیرمجموعه‌ی استعاره‌ی عام [عواطف شیء‌اند] و استعاره‌ی عام‌تر [حالت‌ها شیء‌اند] به‌شمار می‌رود:

أنت بكلب الأمه الخافک .

هم‌چنین در جمله‌ی:

کنا و مازلنا نتابع أخبار الحراسه بشغف شهوانی مخیف كأفلام الرعب.

استعاره‌ی سطح خاص [ترس رفتار موجود زنده است] دیده می‌شود که به‌عنوان زیرمجموعه استعاره‌ی [ترس موجود زنده است] به‌حساب می‌آید.

استعاره‌ی سطح خاص [ترس شکنجه‌گر است] (FEAR IS TORMENTOR) در جمله‌ی زیر دیده می‌شود که زیر مجموعه‌ی استعاره‌ی سطح عام [حالت‌ها شیء‌اند] به‌شمار می‌رود:

یوم رهیب، زجر و تأتیب من أخی [...]

استعاره‌ی عام [عواطف مکان‌اند] در ۵ استعاره‌ی سطح خاص با حوزه‌ی مبدأ ظرف/مکان، ماده/مایع در ظرف، سفر و همچنین در استعاره‌های [عضو بدن ظرف ترس است] و [صدا ظرف ترس است] شناسایی شد.

در جمله‌ی زیر استعاره‌ی سطح خاص [ترس مایع یا ماده در ظرف است] را شاهدیم که با استعاره‌ی عام [حالت‌ها مکان‌اند] در ارتباط است و در نهایت به استعاره‌ی عام‌تر [ساختار- رویداد] که جزئیات بسیار کمی را داراست منتهی می‌شود:

تخلین میادینک و شوارعک مع المغیب فیمرح فیهاالهاء و المطروالوحشه، و تعمر حجراتک بالمناجاه والسمر.

استعاره‌ی سطح خاص [عضو بدن ظرف ترس است]

عقدت الدهشه لسانی

و [صدا ظرف ترس است]

هجس هاجس الخوف فی صدری

زیرمجموعه‌ی استعاره‌ی عام [حالت‌ها مکان‌اند] (STATES ARE LOCATION)

محسوب می‌شوند.

استعاره‌ی [عواطف نیرواند] با استفاده از حوزه‌های مبدأ: نیروی طبیعی، جنگ/دشمن در

میدان نبرد، تغییر حالت بدن، دیوانگی، برتری اجتماعی مفهوم‌سازی می‌شوند.

استعاره‌ی سطح خاص [ترس نیروی طبیعی است] زیرمجموعه‌ی استعاره‌ی عام [نیروهای

فیزیکی، نیروهای روانی‌اند] به حساب می‌آید که خود زیرمجموعه‌ی استعاره‌ی عام‌تر [عواطف

نیرواند] شمرده می‌شود.

کنا و مازلنا نتابع أخبار الحراسه بشغف شهوانی مخیف كأفلام الرعب.

استعاره‌ی سطح خاص [ترس تغییر حالت بدن است] یکی از زیرمجموعه‌های غیرمستقیم

استعاره‌ی عام [ساختار- رویداد] است که با استعاره‌ی عام [نیروهای فیزیکی نیروهای روانی‌اند]

در ارتباط است. انقبض قلبی نظرت إلیه بتسلیم و اهتمام و قلق.

با توجه به نتایج حاصله مشخص می‌شود که محفوظ برای بیان مفهوم انتزاعی ترس ابتدا از

مفهوم فیزیکی شیء (۷ مورد) استفاده کرده و در جایگاه دوم از مفاهیم مکان و نیرو

به‌طور مساوی (۵ مورد) بهره برده است.

۵. تحلیل و مقایسه داستان‌ها با یکدیگر

۱.۵ سنگ صبور و خشم و هیاهو

با بررسی نتایج به‌دست آمده در رابطه با داستان سنگ صبور، مشخص شد که پربسامدترین

حوزه‌ی مبدأ با ۲۱ مورد به شیء تعلق دارد و به ترتیب در جایگاه‌های دوم و سوم، حوزه‌های

مبدأ موجود زنده ۲۰ مورد و عضو بدن ظرف ترس ۱۷ مورد دیده می‌شود. در داستان خشم و

هیاهو پربسامدترین حوزه‌ی مبدأ به ترتیب مربوط به حوزه‌ی مفهومی شیء ۳۰ مورد، ماده در

ظرف/موجود زنده/سفر ۱۴ مورد و موجود ماوراءالطبیعه ۱۲ مورد است. همچنین مشخص شد

که هر دو نویسنده به‌طور مشترک از حوزه‌ی مفهومی شیئی و موجود زنده استفاده‌ی بیشتری برده‌اند. کمترین بسامد مربوط به حوزه‌ی مفهومی مشترک برتری اجتماعی است.

حوزه‌های مبدأ مشترک هر دو داستان عبارتند از: ظرف/ مکان، صدا ظرف، عضو بدن، ماده در ظرف، عضو بدن ظرف، مرگ، تغییر حالت بدن، گرما/ آتش، نیروی طبیعی، سفر، مانع/ حصار، موجود زنده، شیئی، برتری اجتماعی. حوزه‌های مبدأ لرزش، صدا، ماشین، فشار در ظرف در داستان فارسی سنگ‌صبور دیده می‌شود و در متن انگلیسی خشم و هیاهو دیده نمی‌شود. حوزه‌های مبدأ بیماری و موجود ماوراءالطبیعه در داستان خشم و هیاهو آمده ولی در سنگ‌صبور نیامده است.

در مورد استعاره‌های عام، استعاره‌ی عام غالب در سنگ‌صبور، استعاره‌ی [عواطف شیئی‌اند] با بسامد ۷ مورد، و استعاره‌های عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] با بسامد ۶ مورد مشخص شدند که نشان می‌دهد چوبک از تمامی این استعاره‌ها به نسبت تقریباً برابر استفاده کرده است. در خشم و هیاهو، فاکنر از استعاره‌های عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] با بسامد ۶ مورد بیشترین بهره را جسته است و استعاره‌ی عام [عواطف شیئی‌اند] با بسامد ۴ مورد در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. با مقایسه‌ی استعاره‌های عام غالب در داستان‌های سنگ‌صبور و خشم و هیاهو مشخص می‌شود که این دو زبان در مفهوم‌سازی احساس انتزاعی ترس کاملاً یکسان نیستند، اما این استعاره‌های عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] در هر دو داستان به یک نسبت و مساوی به کار رفته‌اند. چوبک بیشتر از استعاره‌ی عام [عواطف شیئی‌اند] و فاکنر از استعاره‌های عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] بهره برده است. شباهت‌های بین دو داستان از شناخت بدن‌مندی جهانی نشأت می‌گیرد و تفاوت‌ها به ویژگی فرهنگ ویژه استعاره باز می‌گردد.

گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲.۵ سنگ‌صبور و میرامار

با بررسی نتایج به‌دست آمده در رابطه با داستان سنگ‌صبور، مشخص شد که پربسامدترین حوزه‌ی مبدأ با ۲۱ مورد به شیئی تعلق دارد و به ترتیب در جایگاه‌های دوم و سوم حوزه‌های مبدأ موجود زنده ۲۰ مورد و عضو بدن ظرف ۱۷ مورد دیده می‌شود. در داستان میرامار پربسامدترین حوزه‌ی مبدأ به ترتیب مربوط به حوزه‌ی مفهومی شیئی ۲۰ مورد، ماده در ظرف ۱۶ مورد و عضو بدن ظرف ۱۳ مورد است. مشخص شد که هر دو نویسنده به‌طور مشترک از

حوزه‌ی مفهومی شیئ/وسیله/دارایی و عضو بدن ظرف استفاده‌ی بیشتری برده‌اند. هم‌چنین کمترین بسامد مربوط به حوزه‌ی مفهومی مشترک خوردنی، مانع و برتری اجتماعی است. حوزه‌های مبدأ مشترک هر دو داستان عبارتند از: ماده در ظرف، عضو بدن ظرف، عضو بدن، شیئ/وسیله/دارایی، ظرف/مکان، صدا ظرف، خوردنی، موجود زنده، برتری اجتماعی، تغییر حالت بدن، نیروی طبیعی، سفر، مانع/حصار. هم‌چنین حوزه‌های مبدأ لرزش، صدا، مرگ، ماشین، آتش/گرما، فشار در ظرف، در داستان فارسی سنگ صبور آمده و در داستان عربی میر/مار نیامده‌است. حوزه‌های مبدأ عدم توانایی، وجود ماوراءالطبیعه، جنگ/دشمن، شکنجه‌گر، دیوانگی در متن عربی دیده می‌شود و در متن فارسی دیده نمی‌شود.

در مورد استعاره‌های عام، استعاره‌ی عام غالب در سنگ صبور استعاره [عواطف شیئ اند] با بسامد ۷ مورد، و استعاره‌های عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] با بسامد ۶ مورد مشخص شدند که نشان می‌دهد چوبک از تمامی این استعاره‌ها به نسبت تقریباً برابر استفاده کرده‌است. در میر/مار، محفوظ از استعاره‌ی عام [عواطف شیئ‌اند] با بسامد ۷ مورد بهره‌جسته‌است و استعاره‌های عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] با بسامد ۵ مورد در جایگاه دوم قرار می‌گیرند. با مقایسه‌ی استعاره‌های غالب در داستان‌های سنگ صبور و خشم و هیاهو مشخص می‌شود که این دو زبان در مفهوم‌سازی احساس انتزاعی ترس تقریباً یکسان‌اند کما اینکه استعاره‌های عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] در هر دو داستان به یک نسبت و مساوی به‌کار رفته‌اند. چوبک و محفوظ بیشتر از استعاره [عواطف شیئ‌اند] بهره برده‌اند. شباهت‌های بین دو داستان نشأت گرفته از شناخت بدن‌مند جهانی بوده و تفاوت‌ها به خصوصیت فرهنگ‌ویژه استعاره باز می‌گردد.

۳.۵ خشم و هیاهو و میر/مار

در داستان خشم و هیاهو پربسامدترین حوزه‌ی مبدأ به‌ترتیب، حوزه‌ی مفهومی شیئ/وسیله/دارایی ۳۰ مورد، ماده در ظرف، موجود زنده، سفر ۱۴ مورد و موجود ماوراءالطبیعه ۱۲ مورد است. در داستان میر/مار پربسامدترین حوزه‌ی مبدأ به‌ترتیب، حوزه‌ی مفهومی شیئ ۲۰ مورد، ماده در ظرف ۱۶ مورد و عضو بدن ظرف ۱۳ مورد است. بدین ترتیب مشخص می‌شود که هر دو نویسنده به‌طور مشترک از حوزه‌ی مفهومی شیئ/وسیله/دارایی و ماده در ظرف استفاده بیشتری برده‌اند. هم‌چنین کمترین بسامد حوزه‌ی مفهومی مشترک برتری اجتماعی است.

حوزه‌های مبدأ مشترک هر دو داستان عبارتند از: ماده در ظرف، عضو بدن ظرف، عضو بدن، شیء/وسیله/دارایی، ظرف/مکان، صدا ظرف، موجود زنده، برتری اجتماعی، تغییر حالت بدن، نیروی طبیعی، سفر، مانع/حصار، موجود ماوراءالطبیعه. هم‌چنین حوزه‌های مبدأ مرگ، بیماری، آتش/گرما، در خشم و هیاهو وجود دارد و در داستان عربی دیده نمی‌شود. حوزه‌های مبدأ عدم توانایی، خوردنی، جنگ/دشمن، شکنجه‌گر، دیوانگی در داستان *میر/مار* آمده ولی در متن انگلیسی خشم و هیاهو دیده نمی‌شود.

در خشم و هیاهو، فاکنر از استعاره‌های عام، [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] با بسامد ۶ مورد بیشترین بهره را برده‌است و استعاره [عواطف شیئی‌اند] با بسامد ۴ مورد در جایگاه دوم قرار می‌گیرد. در *میر/مار*، محفوظ استعاره‌ی عام، [عواطف شیئی‌اند] با بسامد ۷ مورد را بیشتر به‌کار برده‌است و استعاره‌های عام، [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] با بسامد ۵ مورد در جایگاه دوم قرار می‌گیرند. با مقایسه استعاره‌های غالب در داستان‌های خشم و هیاهو و *میر/مار* مشخص می‌شود که این دو زبان در مفهوم‌سازی احساس انتزاعی ترس کاملاً یکسان نیستند، کما اینکه [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] در هر دو داستان به یک نسبت و مساوی به‌کار رفته‌اند. فاکنر از استعاره‌های عام، [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] و محفوظ بیشتر از استعاره عام [عواطف شیئی‌اند] بهره برده‌اند. شباهت‌های بین دو داستان نشأت گرفته از شناخت بدن‌مند جهانی بوده و تفاوت‌ها به خصوصیت فرهنگ‌ویژه استعاره باز می‌گردد.

۶. مقایسه سه داستان

حوزه‌های مبدأ مشترک بین ۳ کتاب عبارتند از: ماده در ظرف، عضو بدن ظرف، عضو بدن، شیء، ظرف، صدا ظرف، موجود زنده، برتری اجتماعی، تغییر حالت بدن، نیروی طبیعی، سفر و مانع. با توجه به حوزه‌های مبدأ مشترک، استعاره‌های عام مشترک، [عواطف مکان‌اند] ۵ مورد، [عواطف شیئی‌اند] ۴ مورد و [عواطف نیرواند] ۳ مورد شناسایی شد. در مورد استفاده از استعاره‌های [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] تقریباً تفاوتی بین داستان‌ها نیست؛ در مورد استفاده از استعاره‌ی عام [عواطف شیئی‌اند] تفاوت معناداری بین داستان‌های فارسی و عربی نیست ولی بین داستان‌های فارسی و انگلیسی و نیز انگلیسی و عربی تفاوت معناداری دیده می‌شود.

بررسی استعاره مفهومی حوزه ترس ... (نسرین محمودی برمسی و دیگران) ۲۷۵

جدول ۴. بسامد مفاهیم حوزه‌ی مبدأ در سه داستان برای بیان مفهوم حوزه‌ی مفهوم ترس

حوزه‌ی مبدأ	سنگ صبور	خشم و هیاوو	میرامار
شیء/وسیله/دارایی	۲۱	۳۰	۲۰
موجود زنده	۲۰	۱۴	۱۲
عضو بدن ظرف	۱۷	۱۰	۸
عضو بدن	۱۰	۱۰	۸
مرگ	۱۰	۸	---
مکان/ظرف	۱۰	۱۰	۱۳
مابع/ماده در ظرف	۹	۱۴	۱۶
صدا ظرف	۹	۹	۱۰
سفر	۸	۱۴	۱۲
نیروی طبیعی	۸	۱۰	۱۱
تغییر حالت بدن	۸	۹	۱۰
حصار/مانع	۸	۱۱	۸
آتش/گرما	۸	۹	---
برتری اجتماعی	۸	۸	۸
خوردنی	۷	---	۸
لرزش	۴	---	---
فشار در ظرف	۴	---	---
صدا	۳	---	---
ماشین	۱	---	---
موجود ماوراءالطبیعه	---	۱۲	۸
بیماری	---	۳	---
دشمن در میدان نبرد/جنگ	---	---	۷
شکنجه‌گر	---	---	۳
دیوانگی	---	---	۱

۷. نتیجه‌گیری

همان‌گونه که داده‌های پژوهش در جدول شماره ۴ نشان می‌دهد در داستان فارسی سنگ صبور، ۱۹ حوزه‌ی مبدأ برای بیان مفهوم ترس (حوزه‌ی مقصد) شناسایی شدند که به ترتیب بسامد حوزه‌های مبدأ عبارتند از: شیء/وسیله/دارایی ۲۱ مورد، موجود زنده ۲۰ مورد، اعضای

بدن ظرف ۱۷ مورد، عضو بدن ۱۰ مورد، مرگ ۱۰ مورد، مکان/ظرف ۱۰ مورد، مایع/ماده در ظرف ۹ مورد، صدا ظرف ۹ مورد، سفر ۸ مورد، نیروی طبیعی ۸ مورد، تغییر حالت بدن ۸ مورد، حصار/مانع ۸ مورد، آتش/گرما ۸ مورد، برتری اجتماعی ۸ مورد، خوردنی ۷ مورد، لرزش ۴ مورد، فشار در ظرف ۴ مورد، صدا ۳ مورد و ماشین ۱ مورد. در داستان انگلیسی خشم و هیاهو، ۱۶ استعاره‌ی مفهومی شناسایی شدند که براساس جدول شماره ۴ به ترتیب بسامد حوزه‌های مبدأ عبارتند از: شیئ/وسیله/دارایی ۳۰ مورد، مایع/ماده در ظرف ۱۴ مورد، موجود زنده ۱۴ مورد، سفر ۱۴ مورد، وجود ماوراءالطبیعه ۱۲ مورد، حصار/مانع ۱۱ مورد، ظرف/مکان ۱۰ مورد، عضو بدن ۱۰ مورد، نیروی طبیعی ۱۰ مورد، عضو بدن ظرف ۱۰ مورد، صدا ظرف ۹ مورد، تغییر حالت بدن ۹ مورد، آتش/گرما ۹ مورد، برتری اجتماعی ۸ مورد، مرگ ۸ مورد و بیماری ۳ مورد. در داستان عربی میر/مار، ۱۷ حوزه مبدأ برای بیان مفهوم انتزاعی ترس شناسایی شدند که بر اساس جدول شماره ۴ به ترتیب بسامد عبارتند از: شیئ/وسیله/دارایی ۲۰ مورد، ماده/مایع در ظرف ۱۶ مورد، ظرف/مکان ۱۳ مورد، عضو بدن ظرف ۸ مورد، موجود زنده ۱۲ مورد، نیروی طبیعی ۱۱ مورد، صدا ظرف ۱۰ مورد، تغییر حالت بدن ۱۰ مورد، سفر ۱۲ مورد، حصار/مانع ۸ مورد، خوردنی ۸ مورد، برتری اجتماعی ۸ مورد، عضو بدن ۸ مورد، وجود ماوراءالطبیعه ۸ مورد، جنگ/دشمن در میدان نبرد ۷ مورد، شکنجه‌گر ۳ مورد و دیوانگی ۱ مورد.

پربسامدترین حوزه‌ی مبدأ مشترک میان داستان‌های فوق «شیئ/وسیله/دارایی» است که به جهانی بودن استعاره مفهومی حوزه‌ی ترس در سطح استعاره‌های خاص اشاره دارد. این نتیجه پاسخ سؤال اولیه‌ی پژوهش ما را می‌دهد که در پی یافتن حوزه‌ی مبدأ مشترک و پربسامد سه زبان بود.

در مرحله بعد شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین حوزه‌های مبدأ مربوط به مفهوم ترس را در این سه اثر ادبی مقایسه و مقابله کردیم. جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که حوزه‌های مبدأ مشترک بین ۳ کتاب عبارتند از: ماده در ظرف، عضو بدن ظرف، شیئ/وسیله/دارایی، ظرف/مکان، صدا ظرف، موجود زنده، برتری اجتماعی، تغییر حالت بدن، نیروی طبیعی، سفر و حصار/مانع. مطابق همین جدول می‌توانیم حوزه‌های مبدأ متفاوت را، در ضمن مقایسه حوزه‌های مشترک به صورت دو به دو در داستان‌ها ببینیم:

حوزه‌های مبدأ مشترک دو داستان سنگ‌صبور و خشم و هیاهو عبارتند از: ظرف/مکان، صدا ظرف، عضو بدن، ماده در ظرف، عضو بدن ظرف، مرگ، تغییر حالت بدن، گرما/آتش،

نیروی طبیعی، سفر، مانع/حصار، موجود زنده، شیء/وسیله/دارایی، برتری اجتماعی. در داستان فارسی سنگ صبور حوزه‌های مبدأ لرزش، صدا، ماشین، فشار در ظرف دیده می‌شود ولی در متن انگلیسی خشم و هیاهو دیده نمی‌شود. در ضمن در داستان خشم و هیاهو حوزه‌های مبدأ بیماری و موجود ماوراءالطبیعه آمده ولی در سنگ صبور دیده نمی‌شوند.

هم‌چنین حوزه‌های مبدأ مشترک دو داستان سنگ صبور و میرامار عبارتند از: ماده در ظرف، عضو بدن ظرف، عضو بدن، شیء/وسیله/دارایی، ظرف/مکان، صدا ظرف، خوردنی، موجود زنده، برتری اجتماعی، تغییر حالت بدن، نیروی طبیعی، سفر، مانع/حصار. هم‌چنین در داستان فارسی سنگ صبور حوزه‌های مبدأ لرزش، صدا، مرگ، ماشین، آتش/گرما، فشار در ظرف آمده ولی در داستان عربی میرامار دیده نمی‌شوند. در داستان عربی میرامار حوزه‌های مبدأ عدم توانایی، وجود ماوراءالطبیعه، جنگ/دشمن، شکنجه‌گر، دیوانگی وجود دارند ولی در سنگ صبور به چشم نمی‌خورند.

در دو داستان خشم و هیاهو و میرامار حوزه‌های مبدأ مشترک عبارتند از: ماده در ظرف، عضو بدن ظرف، عضو بدن، شیء/وسیله/دارایی، ظرف/مکان، صدا ظرف، موجود زنده، برتری اجتماعی، تغییر حالت بدن، نیروی طبیعی، سفر، مانع/حصار، موجود ماوراءالطبیعه. هم‌چنین در خشم و هیاهو حوزه‌های مبدأ مرگ، بیماری، آتش/گرما، دیده می‌شوند ولی در داستان میرامار وجود ندارند. در داستان میرامار حوزه‌های مبدأ عدم توانایی، خوردنی، جنگ/دشمن، شکنجه‌گر، دیوانگی آمده ولی در متن انگلیسی خشم و هیاهو دیده نمی‌شوند.

اما در سطح عام استعاره‌های مفهومی نیز شاهد شباهت‌ها و تفاوت‌هایی هستیم. تطبیق دو به دوی داستان‌ها این نتایج را نشان می‌دهد:

استعاره‌ی عام غالب در سنگ صبور، استعاره‌ی [عواطف شیء‌اند] با بسامد ۷ مورد، و استعاره‌های عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] با بسامد ۶ مورد هستند. در خشم و هیاهو، فاکتر استعاره‌های عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] را با بسامد ۶ مورد و استعاره‌ی عام [عواطف شیء‌اند] را با بسامد ۴ مورد، استفاده کرده‌است. با مقایسه‌ی استعاره‌های عام غالب در داستان‌های سنگ صبور و خشم و هیاهو مشخص می‌شود، در سنگ صبور بیشتر از استعاره‌ی عام [عواطف شیء‌اند] و در خشم و هیاهو از استعاره‌های عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] استفاده شده‌است. می‌توان گفت شباهت‌های بین دو داستان ناشی از شناخت بدن‌مندی جهانی است و تفاوت‌ها نیز می‌تواند به فرهنگ‌ویژه بودن استعاره‌ها اشاره کند.

هیچنانکه گفته شد، استعاره‌ی عام غالب در سنگ‌صبور استعاره [عواطف شیئی اند] با بسامد ۷ مورد، و استعاره‌های عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] با بسامد ۶ مورد است. هم‌چنین محفوظ در *میرامار*، از استعاره‌ی عام [عواطف شیئی‌اند] با بسامد ۷ مورد و استعاره‌های عام [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] با بسامد ۵ مورد استفاده کرده‌است. با مقایسه‌ی استعاره‌های غالب در داستان‌های سنگ‌صبور و *میرامار* مشخص می‌شود چوبک و محفوظ بیشتر از استعاره [عواطف شیئی‌اند] بهره برده‌اند. شباهت‌های بین این دو داستان نشأت گرفته از شناخت بدن‌مند جهانی بوده است و تفاوت‌ها به خصوصیت فرهنگ‌ویژه بودن استعاره‌ها باز می‌گردد.

با توجه به داده‌های پیشین، در خشم و هیاهو، استعاره‌های عام، [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] با بسامد ۶ مورد و استعاره [عواطف شیئی‌اند] با بسامد ۴ مورد استفاده شده‌اند. هم‌چنین در *میرامار*، استعاره‌ی عام، [عواطف شیئی‌اند] با بسامد ۷ مورد و استعاره‌های عام، [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] با بسامد ۵ مورد استفاده شده‌اند. بنابراین مشخص می‌شود که فاکتر از استعاره‌های عام، [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] و محفوظ بیشتر از استعاره عام [عواطف شیئی‌اند] بهره برده‌اند. اینجا نیز شباهت‌های بین دو داستان ناشی از شناخت بدن‌مند جهانی بوده و تفاوت‌ها به خصوصیت فرهنگ‌ویژه بودن استعاره‌ها برمی‌گردد. طبق بررسی ما در داستان‌های سنگ‌صبور و *میرامار*، استعاره‌ی سطح عام غالب [عواطف شیئی‌اند] محسوب می‌شود حال آنکه در داستان خشم و هیاهو، استعاره‌های سطح عام غالب [عواطف مکان‌اند] و [عواطف نیرواند] هستند و تفاوتی که این داستان با دو داستان دیگر دارد نشان‌دهنده‌ی فرهنگ‌ویژه بودن استعاره مفهومی «ترس» در سطح استعاره‌های عام است.

کتاب‌نامه

- افراشی، آریتا (۱۳۹۶)، «الگوی انطباق‌های ریشه‌شناختی واژگان و استعاره‌های مفهومی در حوزه‌ی عواطف با رویکرد شناختی»، زبان و زبان‌شناسی (۲۶)، ۱۳، ۸۱ - ۶۹.
- بارسلونا، آنتونیو (۱۳۹۰)، *استعاره و مجاز با رویکردی شناختی*، ترجمه فرزانه سجودی، لایلا صادقی و تینا امراللهی، تهران: نقش جهان.
- چوبک، صادق (۱۳۶۹)، *سنگ‌صبور*، چاپ جدید، شرکت کتاب، لوس‌آنجلس: ۱۳۶۹ براساس چاپ اول، تهران: ۱۳۴۵.
- خداپرستی، فرج‌الله (۱۳۷۶)، *فرهنگ جامع مترادف و متضاد زبان فارسی*، شیراز: دانشنامه‌ی فارس.

بررسی استعاره مفهومی حوزه ترس ... (نسرین محمودی برمی و دیگران) ۲۷۹

شرفزاده، محمدحسین و زارع، امین (۱۳۹۱)، «بررسی شناختی مفهوم استعاری ترس در زبان فارسی»، تهران: مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی. شماره ۲۸۰. ۴۰۷-۴۰۰.

طیبیان، سیدحمید (۱۳۸۷)، فرهنگ *فرزان فارسی-عربی*. فرزانه. تهران. ایران
علیپور، ساناز (۱۳۹۴)، *شناسایی استعاره های متون مطبوعاتی با روش ام آی پی*، رساله دکترای
زبانشناسی، مشهد: دانشگاه فردوسی.

قوچانی، بیتا، افراشی، آریتا و عاصی، مصطفی (۱۳۹۵)، *استعاره های حوزه مفهومی «ترس» در زبان فارسی: رویکردی شناختی و پیکره‌ای*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کوچش، زولتان (۱۳۹۶)، *مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره*، ترجمه جهان‌شاه میرزاییگی، تهران: آگاه.
محفوظ، نجیب (۲۰۰۷)، *میرامار*. قاهره: دارالشروق.

معلوف، لویس (۱۴۱۵)، *المنجد فی اللغة*. بیروت، لبنان: دار المشرق.
مولودی، امیرسعید و کریمی دوستان، غلامحسین (۲۰۱۷)، «رویکرد پیکره بنیاد به استعاره‌های شناختی: مطالعه‌ی حوزه‌ی مقصد ترس». هنر زبان، (۴) ۲: ۴۰-۷، شیراز، ایران.

مهدی پور، زهرا و شهبازی، مریم (۱۳۹۹)، «بررسی استعاره‌های مفهومی در داستان‌های کوتاه ایرانی»، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، سال چهارم، شماره ۳۲، ج ۲، صص ۱۵۶-۱۴۰.

Al-Harrasi, A. (2003). Ideological conceptual metaphors in Arabic-English translation of political discourse. *International Journal of Arabic English Studies*, 4: 85-106.

Ansah, G. N. (2014). Culture in embodied cognition: Metaphorical/metonymic conceptualizations of FEAR in Akan and English. *Metaphor and Symbol*, 29 (1): 44-58.

Crawford, E. L. (2009). Conceptual metaphors of affect. *Emotion Review*, 1 (2): 129-139.

Esenova, O. (2011). Metaphorical Conceptualization of Anger, Fear & Sadness in English, Summery of PhD Thesis, Linguistic Doctoral School, Budapest.

Faulkner, W. (1995). *The Sound and the Fury*. London, England: Vintage Classics.

Gallese, V. & Lakoff, G. (2005). The Brain's Concepts: The Role of the Sensory-Motor System in Conceptual Knowledge. *Cognitive neuropsychology*. 22. 455-79.

10.1080/02643290442000310

Hashemian, M. Salemi, R. Jafarpour, A. (2020). A Cognitive Study of Conceptual Metaphors in English and Persian: Universal or Culture-Specific? *The Journal of Applied Linguistics and Applied Literature: Dynamics*, 8(1), 9-31.

Lakoff, G. & Johnson, M. (1980). *Metaphors we live by*. Chicago: University of Chicago Press.

- Lakoff, G. (1987). *Women, Fire, and Dangerous Things: What Categories Reveal about the Mind*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Lakoff, G. & Turner, M. (1989). *More than Cool Reason: A Field Guide to Poetic Metaphor*. Chicago/London: The University of Chicago Press.
- Lakoff, G; Espenson, J ; Schwartz, A. (1991). *Master Metaphor List, SECOND DRAFT COPY*. University of California at Berkeley
- Lakoff, G. (1993). The contemporary theory of metaphor. In A. Ortony (Ed.), *Metaphor and thought* (2 ed., pp. 202-251). Cambridge: Cambridge University Press.
- Lakoff, G. & Johnson, M. (1999). *Philosophy in the flesh: The embodied mind and its challenge to western thought*. New York: Basic Books.
- Lakoff, G. and Johnson, M. (2003). *Metaphors We Live By*. 2nd ed. Chicago: University of Chicago Press.
- Kövecses, Z. (1990). *Emotion Concepts*. New York, NY: Springer New York.
- Kövecses, Z. (1995). American Friendship and the Scope of Metaphor. *Cognitive Linguistics*, 6, 315-346.
- Kövecses, Z. (2000). *Metaphor and emotion: Language, culture, and body in human feeling*. Cambridge University Press.
- Kövecses, Z.; Palmer, G. ; Dirven, R.(2002). Language and emotion: The interplay of conceptualization with physiology and culture. In René Dirven and Ralf Pörings (eds.), *Metaphor and Metonymy in Comparison and Contrast*, 133–159. Berlin: Mouton de Gruyter.
- Kövecses, Z. (2003). *Metaphor and Emotion: Language, Culture, and Body in Human Feeling*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Kövecses, Z. (2005). *Metaphor in culture: Universality and variation*. New York and Cambridge: Cambridge University Press.
- Maalej, Z. (2004). Figurative language in anger expression in Tunis-Arabic: An extended view of embodiment. *Metaphor and Symbol*, 19(1): 51–75.
- Maalej, Z. (2007). The embodiment of fear expressions in Tunisian Arabic. In Sharifian, F. and Palmer, G. B (eds.), *Applied Cultural Linguistics: Implications for Second Language Learning and Intercultural Communication*, 87-104. Amsterdam: John Benjamins
- Merriam-Webster's dictionary of English usage. (1994). Springfield, Mass. :Merriam-Webster, Inc.,
- Oatley, K. & Jenkins, J. (1996). *Understanding emotions*. Malden, M.A: Blackwell.
- Peña C. S. (2004). The image-schematic basis of the event structure metaphor. *Annual Review of Cognitive Linguistics*, 2, 127-158.
- Ponterotto, D. (2014). Trivializing the Female Body: A Cross-cultural Analysis of the Representation of Women in Sports Journalism. *Journal of International Women's Studies*, 15(2), 94-111.

- Pragglejaz Group. (2007). MIP: A method for identifying metaphorically used words in discourse. *Metaphor and Symbol*, 22 (1), 1-39
- Retová, D. (2008). Analysis of conceptual metaphors of selected emotions in Slovak language. PhD Thesis. Univerzita Komenského v Bratislave.
- Rewiś-Lętkowska, A. (2019). The anatomy of fear: interplay between metaphor, metonymy and image schema in the conceptualization of fear/strach in English and Polish. *Studia Pigioniana*.
- Rodsap, N., Rodpan, S., & Suklek, P. (2022). Conceptual Metaphor of Fear and Sadness in Covid-19 Plague. *Journal of Language and Linguistic Studies*, 18(2), 337-347
- Sharifian, F. (2017). *Cultural Linguistics*. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Tawichai, S. (2007). Conceptual Metaphors of Anger in Thai. *Journal of the Faculty of Arts, Silpakorn University*. Vol. 29 No.Special (2007) pp. 209-232.
- Zibin, A.; and Hamdan, J. M. (2019). The Conceptualisation of FEAR through Conceptual Metonymy and Metaphor in Jordanian Arabic. *International Journal of Arabic-English Studies (IAES)* Vol. 19, No.2
- Zibin, A.; Altakhaineh, A. R. (2018). An analysis of Arabic metaphorical and/or metonymical compounds: A cognitive linguistic approach. *Metaphor and the Social World*, 8(1): 100-133.

